

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

فرمایش مرحوم محقق نائینی را طبق آنچه در أجود التقریرات گفته شده عرض کردیم.

اجمالاً نظر ایشان این است که در ترتب استحقاق ثواب بر مقدمه، باید تفصیل داد بین آن موردی که شخص، مقدمه را به داعی رسیدن به ذی المقدمه انجام می‌دهد و موردی که قصد وصول به ذی المقدمه را ندارد، که اگر به داعی وصول به ذی المقدمه باشد، استحقاق ثواب بر آن مترتب می‌شود.

مجموعاً چهار مطلب در فرمایش مرحوم نائینی بود که عمده‌ی مطلب ایشان فرقی بود که بین ثواب و عقاب ذکر کردند و این فرق، دلیل بر مدعای ایشان است. یعنی وقتی می‌گوییم در عقاب، مجرد مخالفت، استحقاق عقاب می‌آورد، اما مجرد موافقت ثواب نمی‌آورد، بلکه موافقتی که مضاف و منسوب به مولا است استحقاق ثواب می‌آورد، بیانی که در فرق بین ثواب و عقاب ذکر کرده‌اند به منزله دلیل بر مدعای ایشان است.

یعنی دلیل ایشان که می‌فرمایند اگر مقدمه به قصد وصول به ذی المقدمه آورده شود استحقاق ثواب است، این مطلب است که ملاک استحقاق ثواب را مجرد موافقت نمی‌دانند، بلکه موافقتی که منسوب و مضاف به مولا باشد می‌دانند. زمانی این مقدمه مضاف به مولا می‌شود که عقل و مکلف، مقدمه را به قصد وصول به ذی المقدمه انجام دهد.

این نظریه ایشان – که محققین بعد از ایشان هم غالباً همین نظریه را اختیار کرده‌اند –، نظریه‌ی محکمی است. یعنی در باب مقدمه باید گفت اگر به قصد وصول به ذی المقدمه باشد استحقاق ثواب است و إلا استحقاق ثواب نیست.

چند نکته ذیل فرمایش محقق نائینی

باید چند نکته را عرض کنیم تا این بحث تمام شود.

از مجموع عبارات مرحوم نائینی استفاده می‌شود که بین قصد وصول به ذی المقدمه و این عنوان که بگوییم کسی که مقدمه را شروع کرد، شروع در امتثال امر به ذی المقدمه است، شروع بر امتثال امر نفسی است، که این تعبیر در کلام مرحوم آخوند هم هست، ظاهر عبارت ایشان این است که می‌خواهند بفرمایند این دو، یک مطلب است.

اما تحقیق این است که بین این دو عنوان فرق وجود دارد.

ما می‌گوییم ملاک در استحقاق ثواب بر مقدمه، این است که کسی مقدمه را مضافه‌ای المولا انجام دهد، یعنی به داعی رسیدن به ذی المقدمه ولو یقین دارد که نمی‌تواند ذی المقدمه را انجام دهد. مثلاً کسی که یقین دارد که مرضی دارد که چند وقت دیگر این مرض او را از بین می‌برد، اما از هم‌اکنون شروع به فراهم کردن مقدمات حج می‌کند. مثلاً تا نزدیک میقات هم خودش را می‌رساند اما در آنجا فوت می‌کند. آیا اعمالی که انجام داده مضاف به مولا، چون به قصد وصول به ذی المقدمه بوده، این استحقاق ثواب دارد؟

گفتیم ممکن است کسی مثل امام(قده) مناقشه در این شروع کنند. یعنی بگویند اینجا عنوان شروع در امتثال امر نفسی صدق نمی‌کند کسی که مقدمه را شروع می‌کند عرف نمی‌گوید این شخص در امتثال امر نفسی به ذی المقدمه شروع کرد. عنوان شروع در امتثال نیست، اما عنوان قصد توصل به ذی المقدمه تحقق دارد.

بعبارة آخری؛ شروع در امتثال امر نفسی اگر هم صدق کند، این لایصدق إلا اینکه آن ذی المقدمه هم در عالم خارج محقق شود. اما قصد وصول به ذی المقدمه، متوقف بر این نیست که حتماً ذی المقدمه هم در عالم خارج محقق شود.

بنابراین ولو اینکه اصل نظریه مرحوم نائینی مقبول است که در استحقاق ثواب تفصیل دهیم، اما باید این اشکال در فرمایش ایشان محفوظ بماند که ایشان هم این دو عنوان را یک عنوان گرفته‌اند، در حالی که بین این دو عنوان فرق وجود دارد.

بعد از بحث‌های مفصل نتیجه این شد؛ کسی که مقدمه را به قصد رسیدن به ذی المقدمه انجام می‌دهد، عمل او موافقت منسوب به مولا است و استحقاق ثواب دارد.

استحقاق دو ثواب با انجام مقدمه و ذی المقدمه

بعد از آن مرحوم نائینی این بحث را عنوان کرده‌اند که اگر کسی مقدمه و ذی المقدمه را انجام داد، آیا دو ثواب بر عمل او مترتب می‌شود یا فقط استحقاق یک ثواب دارد؟

ایشان می‌گویند ما معتقدیم ثواب مقدمه و ذی المقدمه متحد می‌شود. آنگاه اتحاد را اینگونه معنا می‌کنند؛ کسی که مقدمه را انجام داد، سبب ازدیاد ثواب در ذی المقدمه می‌شود.

اگر ذی المقدمه‌ای ده مقدمه داشته باشد، این ده تا در ازدیاد ثواب در ذی المقدمه دخالت دارد.

بعبارة آخری؛ اگر گفتیم کسی مقدمه را به قصد وصول آورد، استحقاق ثواب دارد، این اعم از آن است که ذی المقدمه آورده شود یا آورده نشود. اگر ذی المقدمه آمد، ثواب متعدد نمی‌شود و همان ثوابی که بر ذی المقدمه وجود دارد، ازدیاد پیدا نمی‌کند.

نقد محقق خوئی بر محقق نائینی

مرحوم محقق خوئی(قده) (محاضرات 2: 396) با اینکه در اصل نظریه استحقاق ثواب با استادشان مرحوم نائینی موافقت کرده‌اند، اما در این فرع مخالفت کرده‌اند و گفتند به نظر ما باید دو ثواب داشته باشد.

این اضافه را ما عرض می‌کنیم که در نتیجه اگر ذی المقدمه‌ای دو مقدمه داشت، دو مقدمه و یک ذی المقدمه، استحقاق سه ثواب دارد. اگر ذی المقدمه‌ای پنج مقدمه داشت، به تعداد تكثر و تعدد مقدمه، باید ثواب متعدد شود.

دلیلی که ایشان بر تعدد ثواب آورده‌اند این است که اتیان مقدمه بنفسه، مصداق برای تعظیم و امتثال مولا است. خود این مقدمه‌ای که انسان انجام می‌دهد، مصداق تسلیم مولا شدن است. اینجا باید بگوییم مقدمه، ثواب مستقل دارد، اگر پنج مقدمه انجام داد، پنج فعل که هر فعلی مصداق برای تعظیم مولا است، انجام شده است.

پاسخ استاد محترم از نقد محقق خوئی(ره)

به نظر می‌رسد این نزاع، لفظی باشد. برای اینکه احتمالاتی که در اینجا وجود دارد این است که یا اوّل می‌گوییم آوردن یا نیاوردن مقدمه، در ثواب و عقاب ذی المقدمه تأثیری ندارد. یعنی اگر خود ذی المقدمه آورده می‌شد، ثواب آن هر مقداری بود، حالا که مقدمه آورده شده همان ثواب را می‌دهند. یعنی مقدمه فقط به ما کمک کرده تا بتوانیم ذی المقدمه‌ای که دارای ثواب است را بیاوریم و اگر مقدمه را ترک کردیم، در عقاب ذی المقدمه هم تأثیری ندارد. ذی المقدمه هم عاقبی که بر آن مترتب می‌شد الان هم مترتب است.

یک احتمال هم فرمایش مرحوم نائینی است که بگوییم کسی که مقدمه را انجام داد، علاوه بر اینکه ثواب ذی المقدمه در جای خود محفوظ است، آن ثواب زیاد می‌شود. اگر این منشأ برای ازدیاد باشد، اگر دو مقدمه شد باید آن ثواب زیادت‌تر شود. نتیجه این می‌شود که اگر ذی المقدمه‌ای یک مقدمه دارد، یک حدی از ثواب را دارد، اگر ذی المقدمه‌ای ده مقدمه دارد، ثواب آن زیاد می‌شود و متعدد نمی‌شود.

احتمال سوّم فرمایش آقای خویی است که متعدد می‌شود.

عرض ما این است که این نزاع استاد و شاگرد، نزاع لفظی است و فرقی ندارد بگوییم ثواب ذی المقدمه در اثر آوردن مقدمه زیاد می‌شود یا بگوییم تعدد پیدا می‌کند. بالاخره نتیجه‌ی این دو یکی می‌شود، چه بگوییم اتیان مقدمه بر ثواب ذی المقدمه می‌افزاید، یا بگوییم خود آن ثواب مستقل دارد. به نظر می‌رسد این نزاع اثر ندارد و لفظی است.

در نتیجه در این مسأله از نظر ثواب و عقاب، همین دو مبنا است؛ مبنای اوّل اینکه ذی المقدمه چه یک و یا صد مقدمه داشته باشد، همه این مقدمات برای رسیدن به ذی المقدمه است و خود آن ثوابی ندارد و هیچ در کمیت و کیفیت ذی المقدمه دخالت ندارد.

مبنای دیگر اینکه خود مقدمه استحقاق ثواب می‌آورد و این استحقاق یا به این نحو است که ثواب متعدد شود یا موجب ازدیاد ثواب ذی المقدمه شود.

نقد بر کلام مرحوم آخوند(عدم استحقاق ثواب بر موافقت امر غیری)

مرحوم آخوند در کفایه بعد از اینکه فرموده‌اند موافقت امر غیری استحقاق ثواب نمی‌آورد، با دو اشکال مواجه شده‌اند.

اشکال اوّل: می‌دانیم در بعضی از روایات، ثواب را بر مقدمه مترتب کرده‌اند. بر حسب برخی از روایات کسی که به زیارت امام حسین(ع) می‌رود لکل خطوة ثواب؛ برای هر قدمی که برمی‌دارد ثواب است. حال مرحوم آخوند در علم اصول اثبات کرده‌اند که

مقدمه مطلقاً استحقاق ثواب ندارد. این روایت را چگونه باید جواب دارد و توجیه کرد.

پاسخ مرحوم آخوند از اشکال اول

یک پاسخ مرحوم آخوند این است که؛ تفضل است. یعنی برای موافقت با مقدمه، نباید ثوابی داده شود؛ اما خداوند تفضلاً بخشش کرده و ثواب را به این شخص تفضل می‌کند.

جواب دوم این است که بگوییم کسی که مقدمه را شروع می‌کندغ این شروع در امتثال امر نفسی است.

آنگاه این نکته را دقت کنید ما بین قصد وصول به ذی المقدمه و شروع در امتثال امر نفسی یک فرق بیان کردیم؛ گفتیم به نظر ما فرق آن این است که در اینجا متوقف بر تحقق ذی المقدمه نیست، اما عنوان شروع در امتثال امر نفسی متوقف بر این است که ذی المقدمه بیاید.

از این بیان مرحوم آخوند فرق دومی هم فهمیده می‌شود که اگر ثواب مقدمه را از باب شروع در امتثال امر نفسی ببینیم، به این معناست که ثوابی که برای ذی المقدمه است از مقدمه شروع می‌شود، یعنی عنوان توزیع پیدا می‌کند و گویا ثواب ذی المقدمه پخش می‌شود و توزیع از آن چیزی که عنوان شروع در ذی المقدمه دارد.

فرضا منظور شما این است که عرفاً کسی که مقدمه را انجام می‌دهد، این شروع در امتثال ذی المقدمه است، مثلاً کسی که اول نماز، الله اکبر را می‌گوید می‌گوییم از همینجا تا آخر نماز استحقاق ثواب پیدا می‌کند.

مرحوم آخوند مقداری دایره را توسعه داده و می‌فرماید شروع در امتثال امر نفسی، از انجام مقدمه شروع می‌شود. در اینصورت دیگر خود مقدمه ثواب مستقل و استحباب مستقل ندارد. بلکه ثواب، مربوط به ذی المقدمه توزیع می‌شود، منتها مبدأ آن از مقدمه است.

این هم فرق دوم بین عنوان قصد وصول به ذی المقدمه و عنوان شروع در امتثال امر نفسی.

مرحوم آخوند که مبنایشان این است که مقدمه استحقاق ثواب ندارد، دو راه ذکر کرده‌اند یکی تفضل و یکی هم شروع در امتثال امر نفسی.

نقد استاد محترم بر هر دو پاسخ مرحوم آخوند

این دو جواب هر دو مخدوش است.

اما مسأله تفضل، تسلیم اشکال شدن است. یعنی مرحوم آخوند با عنوان تفضل، جواب از اشکال نمی‌دهد، بلکه تسلیم این است که بر حسب این روایات، ظاهر آن این است که بر خود مقدمه ثواب مترتب است، اما برای اینکه مبنایش خراب نشود، مسأله تفضل را مطرح می‌کند و معنای آن این است که شما اصل اشکال را پذیرفته‌اید. یعنی اصل اینکه ظاهر این روایات حتی بالاتر از ظاهر می‌فرماید لکل خطوة ثواب، و این عنوان تفضل عنوان خلاف ظاهر است. اینجا برحسب روایات لکل خطوة ثواب، استحقاق ثواب دارد، نه اینکه استحقاق ندارد و شارع تفضلاً به آن ثواب عنایت کند. تفضل به این معناست که استحقاقی در کار نیست، ولی شارع ثواب را بخشش و تفضل می‌کند. ظاهر روایت این است که استحقاق در کار است. پس جواب اول با این

اشکال مواجهه است.

اشکال جواب دوم را هم قبلا عرض کردیم و در فرمایشات امام(رضوان الله علیه) هم بود که ایشان فرمودند نه تنها قبول نداریم با مقدمه، شروع در امتثال امر نفسی است، بلکه وقتی الله اکبر می‌گوید و مقدار زیادی از نماز را هم می‌خواند، ولی بطور کامل انجام نمی‌گیرد، به حسب قاعده آن هم استحقاق ثواب ندارد.

بعبارة آخری یک اشکال صغروی است و از جهت عرف قبول نداریم شروع در مقدمه، شروع در امتثال امر نفسی باشد. شروع در امتثال امر نفسی با اولین جزء از امر نفسی محقق می‌شود.

اشکال کبروی این است که شما با این اوصاف می‌خواهید استحقاق ثواب را درست کنید، در حالی که شروع در امتثال امر نفسی، استحقاق ثواب نمی‌آورد. یعنی به حسب قاعده اگر کسی نماز را شروع کرد، ولی رکعت آخر مُرد، استحقاق ثواب ندارد، چون شارع و عقلاء می‌گویند ثواب در جایی است که امتثال محقق شود. اما در اینجا امتثال بنحو کامل محقق نشده، ممکن است شارع تفضلا ثوابی به او بدهد و آن بحث دیگری است، اما به حسب قاعده اگر کسی شروع در امتثال امر نفسی، استحقاق ثواب ندارد. استحقاق ثوابی جایی می‌آید که امتثال کامل شود.

شاهد عرفی آن اینکه اگر شخصی، شخص دیگر را برای کاری اجیر کند و بگوید من تو را اجیر می‌کنم و اگر این کار را انجام دادی صد تومان به تو می‌دهم. حال اگر نود درصد آن کار را انجام داد، ولی ده درصد آن را مریض شده و انجام نداد، اینجا همه می‌گویند استحقاق اجرت مسمی را ندارد. حال اینکه اجرة المثل را استحقاق دارد یا نه، حرف دیگری است.

ثواب شباهت به أجرة المسمی دارد، یعنی شارع برای هر عملی ثواب معینی را قرار داده، که این ثواب معین از جهت شرع و عقلاء، استحقاق شخصی است که عمل را کاملاً انجام دهد. اما اگر شروع در عمل کرد، اما نتوانست آن عمل را کامل انجام دهد، قطعاً استحقاق آن ثواب را ندارد.

بنابراین دو جواب مرحوم آخوند درست نیست. بهترین آن همان است که وقتی نظریه مرحوم نائینی پذیرفته شد که مقدمه به قصد وصول به ذی المقدمه ثواب دارد، این روایات روی این بیان بسیار روشن و قابل توجیه است، لكل خطوة ثواب، یعنی لكل خطوة که به قصد رسیدن به کربلا باشد و به قصد زیارت امام حسین(علیه السلام) باشد ثواب مترتب است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين